

گفت و گو با استاد عبدالمجید ارفعی در مورد رمزگشایی فرانسوا دوسه از خط «ایلامی خطی» هر تلاشی در این زمینه قابل تقدیر است



i-pa-r-a t-i-z-t-ma l-o-t-p-a

عبدالمجید ارفعی

استاد عبدالمجید ارفعی متولد ۱۳۱۸ و از اولین فارغ‌التحصیلان ایرانی در رشته زبان‌های باستانی در مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو است. او که هم‌دوره با دکتر یوسف مجیدزاده و دکتر صادق ملک شه‌میرزادی در آن دانشگاه به تحصیل پرداخته، محضر استادانی همچون ساموئل نواح کرایمر، والتر هینتس، ریچارد هلیک، ابراهیم پورداود و پرویز نائل‌خانری را درک کرده و بر زبان‌های «سومری»، «آکدی»، «ایلامی»، «فارسی باستان» و «هخامنشی» اشراف کامل دارد و از معدود صاحب‌نظرانی است که می‌تواند خط میخی ایلامی، آکدی و سومری را بخواند و ترجمه کند. ویرایش و ترجمه متن کتیبه کورش بزرگ، ویرایش و ترجمه کتیبه‌های باوری تخت جمشید و انتقال آن به ایران و تلاش برای استرداد کامل آنها به موزه ملی، ایجاد تالار کتیبه‌ها در موزه ملی ایران و بنیان نهادن رشته زبان‌های باستانی در ایران از خدمات ارزشمند این استاد فرزانه به فرهنگ و تمدن ایران زمین است.

می‌شناسیم. همه این خطوط با پیدایش خط «آرامی» که با مرکب و بر روی پوست یا پارچه نگاشته می‌شده است، به تدریج کنار گذاشته می‌شوند، از جمله خط فارسی باستان و خط میخی. امروز اکثر خطوط دنیا به غیر از خط‌های چینی، ژاپنی و کره‌ای و مانند آنها، برگرفته از خط آرامی هستند. علت عدم استقبال و استفاده ایرانی‌ها از خط «ایلامی خطی» و تمایل آنها به «خط میخی» هم می‌تواند آسان‌تر بودن نگارش آن بر روی کتیبه‌های گلی بوده باشد. درباره خط فارسی باستان تنها یک کتیبه گلی به دست آمده (آن‌هم در اسناد باوری تخت جمشید) و مابقی حکاکی روی سنگ‌نوشته‌ها و بیکره‌ها بوده است. به این توضیح نمی‌دانیم که استفاده از این خط چقدر در جامعه ایران مرسوم بوده است. مثلاً در متن گل‌نوشته‌ای در تخت جمشید می‌خوانیم که پسران فلان شهریان فارس که داریوش نام داشته، زبردستانش به خط آرامی روی پوست می‌نگاشته‌اند؛ چون کتابت آن راحت‌تر بوده است. واقعیت این است که خط میخی هم چندان ساده نبوده و در دوران باستان حدود ۱۰ تا ۱۲ سال آموزش و یادگیری آن در مدارس خط زمان می‌برده است. پس شاید بتوانیم بگوییم استفاده از کتابت و نوشتن چندان در جامعه مرسوم نبوده و مختص گروهی خاص بوده است.

فرانسوا دوسه مبتنی بر ۴۳ متنی که به دست آمده نسبت به رمزگشایی «خط ایلامی خطی» اقدام کرده است؛ این چقدر می‌تواند دقیق باشد؟

کلید همه این رمزگشایی‌ها سه کتیبه دوزبانه از یکی از پادشاهان ایلام به نام «پوزوراینشوشیناک» در ۲۱۵۰ پیش از میلاد است که یک طرف به خط «ایلامی خطی»، و یک طرف به خط «میخی آکدی» نگارش یافته و کمک می‌کند بتوانیم آن را رمزگشایی کنیم. مثلاً آقای دوسه با

دیگر خط‌ها به این مرحله رسیده است. هم‌زمان در ایران (در شوش) نیز خط «ایلامی خطی» و پیش از آن «خط آغاز ایلامی» مورد استفاده قرار می‌گرفته که در برخی کتیبه‌های شاهی دو یا سه زبانه کشف شده و ما از وجود آن اطلاع داریم، اما خط «آغاز ایلامی» هنوز رمزگشایی نشده است. خیلی‌ها تلاش کرده‌اند این خط را رمزگشایی کنند. شادروان والتر هینتس (استاد من) هم تلاش‌های زیادی برای رمزگشایی خط ایلامی کرد و من هم تلاش‌هایی برای رمزگشایی آن داشتم، اما موفق نشدم. البته در آن دوران ۱۹ متن به این زبان کشف شده بود. آخرین تلاش برای رمزگشایی را «فرانسوا دوسه» انجام داده است که فعلاً در میان زبان‌شناسان متخصص باستانی و به‌ویژه ایلام‌شناسان، مورد تأیید همگان قرار نگرفته؛ اگرچه قابل رد هم نیست. علت آن کم‌بودن متون به خط «ایلامی» است. مجموع متونی که به دست آمده، بسیار کم است (گویا ۴۳ متن به دست آمده) و این تعداد برای رمزگشایی کافی به نظر نمی‌رسد، مگر درباره برخی اسامی خاص همچون خدایان و نام شاهان و مکان‌ها که معادل آن را در خط و زبان سومری و آکدی می‌شناسیم.

خط ایلامی و خط میخی تا چه زمانی رواج داشته‌اند و چرا کنار گذاشته شده‌اند؟

در ایران خط ایلامی تا حدود ۲۰۰۰ پیش از میلاد رواج داشته، اما در برابر خط میخی بین‌النهرینی کنار گذاشته می‌شود و ایرانیان به زبان ایلامی و با خط میخی متون خود را می‌نگاشته‌اند. خط میخی ابداع سومری‌ها بوده که از اقوام سامی در عراق امروزی بوده‌اند. از این خط «هیتی»‌ها در آسیای صغیر و «اورارتو»‌ها در قفقاز نیز برای نگارش استفاده کرده‌اند. ایرانیان هم علاوه بر استفاده از خط میخی، خطی را خودشان بعدها ابداع کردند که ما آن را به عنوان خط فارسی باستان

پیش از امپراتوری بزرگ و جهانشمول هخامنشیان، در پهنه بزرگی از ایران امروز «ایلامی»‌ها قریب به دو هزار سال حیات سیاسی و اجتماعی داشته‌اند و برخی معتقدند حتی پس از حمله آشوریانپال در محدوده ۶۶۰ پیش از میلاد و فروپاشی حکومت ایلامی‌ها نیز این تأثیرگذاری و حیات سیاسی تا عصر هخامنشی استمرار داشته است. چرا تاریخ ایلام و آگاهی عمومی ما از پیش از هخامنشیان و پارس‌ها و مادها بسیار کم است و گویی این بخش بزرگ از تاریخ و تمدن ایرانیان دیده نمی‌شود، علت آن را چه می‌دانید؟

اولین دلیل این است که آگاهی‌های ما از تاریخ «ایلام» واقعاً کم است و از تاریخ مردمان ایلام مانند عصر هخامنشی اطلاعات کافی و جامع نداریم. دلیل آن هم فقدان متون و تاریخ‌نگاری در ایران است و ایرانیان برخلاف مردم بین‌النهرین علاقه‌ای به ثبت وقایع تاریخی نداشته‌اند. به‌جز معدودی از متون که نمایانگر حکومت پادشاهانی همچون پوزور اینشوشیناک است و اگر همین متون تاریخ‌نگاری بین‌النهرینی نبود، همین میزان اطلاعات را نیز از تاریخ و تمدن ایلام نداشتیم. این مسئله ناشی از فرهنگ روایت شفاهی در ایران بوده است و ایرانیان چندان علاقه‌ای به ثبت تاریخ نداشته‌اند و بیشتر با سنت انتقال سینه به سینه تاریخ خود را روایت می‌کردند. اولین نوشته شاهی که در اختیار داریم مربوط به ۱۱۵۰ پیش از میلاد است. البته بدون تردید کم‌بودن کاوش‌ها در منطقه فلات بزرگ ایران در برابر کثرت کاوش‌ها در بین‌النهرین نیز بر میزان آگاهی ما از تاریخ ایلام مؤثر است. واقعیت این است که در ایران مناطق کاوش‌نشده بسیاری وجود دارند که ممکن است اطلاعات ما را نسبت به گذشته تغییر دهند. اما به نظر من این خصیصه «ثبت‌نکردن تاریخ» و تمرکز بر فرهنگ شفاهی، ویژگی عام برای ایرانیان است؛ چون ما حتی درباره پادشاهان و حکومت‌های پس از ایلام که از حدود ۶۰۰ پیش از میلاد تا ۶۰۰ پس از میلاد یعنی ۱۲۰۰ سال حکومت و حیات سیاسی داشته‌اند هم اطلاعات کامل و جامعی در اختیار نداریم. ما در چغازنبیل قریب به سه هزار آجرنشته به دست آورده‌ایم که برخی لعابدار هستند و برخی زراندود و اطلاعاتی از اسامی شاهان و پدران آنها را در بر دارد. اما اطلاعات تاریخ‌نگاری قابل توجهی از وضعیت اجتماعی و تاریخ آن روزگار به دست نمی‌دهد و آنچه توسط باستان‌شناسان ارائه می‌شود بیشتر ناشی از مطالعه بناها و آثار و اشیای به‌جای مانده است تا متون مکتوب و نگارش یافته در آن دوران.

خط چگونه پدیدار شد و ما چه نقش و جایگاهی در پیدایش خط داشته‌ایم؟

پیش از هر چیز باید بدانیم که دلیل پیدایش خط و سرآغاز آن چه زمانی بوده است؟ در محدوده هزاره هشتم پیش از میلاد «توکن»‌ها و «گوی»‌هایی از جنس گِل به دست آمده که دارای نشانه‌هایی است که برای شمارش گوسفند و جو و کالاهای کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گرفته و به تدریج گسترش یافته و نگارش برای ثبت امور اقتصادی و تجاری به وجود آمده است. این گوی‌ها حاوی خطوطی است که سرآغاز پیدایش خط است. ابتدا در قالب اعداد و شمارگان و سپس در قالب تصاویر و تصویرنگاری (تصویر کالاهای و حیوانات) و این فرایند تا ۳۳۰۰ تا ۲۸۰۰ پیش از میلاد شاهد پیدایش خطوطی هستیم که فاقد «دستور زبان» است، اما حاوی مفاهیم و معانی است و پس از این مقطع دستور زبان وارد خط شده که بتواند مفاهیم را به درستی منتقل کند. در اینجا ما با خط میخی سومری مواجه هستیم که به نظر می‌رسد پیش از

